

دعا و مناجات در بین عشایر طایفه ایلخاص بصری^۱

مهندس علی اکبری^۲

مقدمه

منطقه فارس به لحاظ شرایط آب و هوایی و تنوع اقلیمی از دیرباز یکی از مهمترین مراکز استقرار عشایر کوچنده بوده و هنوز ۴ ایل بزرگ قشقایی، خمسه، ممسنی و بویراحمد و ۸ طایفه مستقل در محدوده استان فارس دارای قلمروهای کوچ و استقرار هستند.

از نظر تعداد جمعیت و وسعت قلمرو استقرار، بزرگترین ایل استان فارس قشقایی می‌باشد و پس از آن اتحادیه ایلی خمسه قرار دارد. طوایف ایل خمسه شامل اینالو (اینالو)، بهارلو، بصری، عرب و نفر می‌باشد. هرچند که امروزه بسیاری از کارکردهای سنتی نظام ایلی عشایر از هم پاشیده، ولی تا گذشته‌ای نه‌چندان دور بصری‌ها از ارکان اصلی ایل خمسه به شمار می‌رفتند. ایل بصری دارای طوایف متعددی است که یکی از آنها طایفه ایلخاص می‌باشد.

قلمرو کوچ و زندگی بصری‌ها و طایفه ایلخاص در منطقه فارس بوده، ولی امروزه علاوه بر استان فارس، تعدادی از خانوارهای منسوب به ایل بصری را می‌توان در استان‌های کرمان و اصفهان نیز مشاهده کرد که عمدتاً در دوره قاجاریه تا قبل از اصلاحات ارضی به این مناطق مهاجرت کرده‌اند. از جمله دلایل مهاجرت آن‌ها می‌توان به اختلاف با خوانین یا حکام محلی اشاره کرد که در اثر آن افراد و خانوارهای عشایری طی چندین مرحله از محل خود مهاجرت (گریخته) کرده و در نواحی دیگر استقرار یافته‌اند. امروزه غالب خانوارهای طایفه ایلخاص یکجانشین شده‌اند و محل اصلی سکونت آن‌ها در روستاهای شهیدآباد و ... شهرستان خرمبید استان فارس می‌باشد. یکی از ویژگی‌های حسنه افراد و خانوارهای این طایفه که در مواردی آن‌ها را از سایر طوایف متمایز می‌کند، متصف بودن و پایبندی عمیق آحاد طایفه به دین، باورهای مذهبی مستحکم، وفای به عهد، عمل به احکام، اهتمام وافر به انجام و رعایت امور شرعی می‌باشد. نمودهای عینی این ویژگی را میتوان در زوایای مختلف رفتاری مانند دعا و مناجات، صداقت، صمیمیت، حسن خلق و رعایت اخلاق مشاهده کرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های افراد طایفه ایلخاص، طرفداری آن‌ها از انقلاب و ایثارگری در این راه می‌باشد. اوج جان‌فشانی آن‌ها را می‌توان در دوران دفاع مقدس ملاحظه کرد که با حضور گسترده در جبهه‌ها، نسبت به حفظ انقلاب و دفع تجاوز دشمن ادای دین کردند. افراد این طایفه با حضور در جنگ تحمیلی بالغ بر ۶۲ نفر شهید، ده‌ها آزاده و جانباز داشته است. امروزه خانوارهای طایفه ایلخاص در روستای شهیدآباد (شهرستان خرمبید استان فارس)، شهرهای شیراز، اصفهان، برآن اصفهان، حومه شهرستان مرودشت و ... سکونت دارند.

۱ - اقتباس از کتاب: فرهنگ عامه طایفه ایلخاص بصری، علی اکبری.

۲ - نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی (رئیس سابق سازمان امور عشایر ایران).

◆ دعا و مناجات

دعا در لغت به معنی ندا و صدا زدن و به یاری طلبیدن و در اصطلاح اهل شرع، گفت‌وگو کردن با حق تعالی، به نحو طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه او و یا به نحو مناجات و یاد صفات جلال و جمال ذات اقدس اوست. و بر حسب عرف و اصطلاح، توجه به سوی خدا و طلب رحمت از او به طور فقر و مسکنت و خضوع است و بر سپاس و ستایش و تسبیح و تنزیه باری تعالی نیز اطلاق می‌شود، زیرا سپاس و ستایش نیز نوعی درخواست و مسئلت عطا و موهبت است. کلمه دعا و مشتقاتش که حدوداً بیش از ۲۰۰ بار در آیات قرآن کریم به کار رفته است. از ریشه «دَعَوَ» و به معنی خواندن و حاجت خواستن و استمداد است و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است.

عشایر مردمانی دیندار و به صورت ساده و بی‌آلایش معتقد به اصول و فروع دین و ملتزم به انجام احکام و موازین دینی، مذهبی و امور شرعی می‌باشند. عشایر کوچنده در مقایسه با جوامع یکجانشین شهری و روستایی از امکانات دینی و مذهبی بسیار کمتری برخوردار هستند و از نظر دسترسی به منابع کسب اطلاعات و احکام دینی و مذهبی، برخوردار از اماکن دینی و مذهبی مانند مساجد و حسینیه‌ها و اعزام مبلغ دینی و غیره در مضیقه و محرومیت هستند. به همین خاطر در بسیاری از موارد هنوز براساس اصول و مبانی اعتقادی سنتی اکتسابی از آبا و اجدادشان عمل می‌نمایند.

از جهت برگزاری آئین‌ها و مناسبت‌های دینی و مذهبی؛ توجه به شعائر، اعتقادات و مناسک دینی و مذهبی همچنان که در جوامع شهری و روستایی ایران نمود دارد، در جامعه عشایری نیز بسیار ریشه دار است. در بین ایلات و طوایف عشایری اقصی نقاط کشور، با خلوص فراوان، ساده و بیپیرایه، به آئین‌ها و مناسک دینی و مذهبی اهتمام می‌نمایند. مذهب عشایر طایفه ایلخاص شیعه اثنی اشعری است و در کنار برگزاری انواع مراسم و آئین‌های مذهبی، به برگزاری مراسم سالگرد سوگواری سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (ع) و حضرت ابوالفضل العباس اعتقاد و اهتمام خاصی دارند. در این منطقه حتی زمانی که ایام محرم با زمان حضور عشایر در اطرافگاه‌های ییلاقی مصادف می‌شود و خانوارهای عشایری دور از آبادی‌ها و به صورت پراکنده در اطرافگاه‌های موقت بسر می‌برند برای برگزاری مراسم عزاداری سالار شهیدان و باران با وفایش چادری در نظر گرفته و با نصب علم سیاه یا سبز رنگی به عنوان حسینیه یا تکیه استفاده می‌کنند.

برای رشد، ارتقا و تقویت اصول و مبانی اعتقادات دینی عشایر بایستی بخشی از رویکردها و اقدامات اجرایی که مجموعه ارگان‌های مذهبی - فرهنگی ذی‌ربط در روستاها و شهرها انجام می‌دهند در مناطق عشایری هم بکار گرفته شود. از طرف دیگر اهتمام به برنامه‌ریزی برای اعزام و حضور مستمر و منتظم مبلغین مذهبی در مناسبت‌های دینی و مذهبی در مناطق عشایری، در اختیار گذاشتن اقلام فرهنگ دینی و مذهبی، استفاده از شیوه‌های اطلاع رسانی جدید برای ابلاغ و اعلان آموزه‌های دینی و مذهبی، گسترش آموزش‌های اعتقادی در مناطق عشایری، برگزاری دوره‌ها، ایجاد اردوهای فرهنگی و کاروان‌های زیارتی، جشنواره‌های دینی و مذهبی و غیره می‌تواند در تأمین بخشی از نیازهای فرهنگ دینی عشایر و تقویت مبانی اعتقادی آن‌ها مفید و مؤثر باشد.

◆ دعاها

دعا نیاز اصلی انسان است و توسل به مرجعی بالاتر از آنچه انسان می‌بیند و مشاهده می‌کند و اعتقاد به منبع و تکیه گاهی ماورایی، کم و بیش در تمام آئین‌ها و مذاهب وجود دارد. چنین مراجعی محل مناجات، درد دل، بیان خواسته‌ها، آمال و آرزوها، استغاثه و تخلیه روانی و آرامش افراد است. در مکتب اسلام به‌ویژه در مذهب جعفری، دعا به درگاه ایزد توانا و توسل به ائمه اطهار (ع) و واسطه قراردادن اولیاء الهی همواره آرامبخش و نشاط‌آور و امری مؤکد بوده و به مسلمانان توصیه شده است. ادعیه فراوانی وجود دارد که انسان را تهییج، تحریک و آرام می‌کند. راهکارهایی را در برابر انسان قرار می‌دهد و امید و آرامش را در نهاد آدمی زنده نگه می‌دارد. این امر در میان ملل، اقشار، طوایف و اقوام مختلف قوت و ضعف دارد و هر کس نیاز درونی و انتظار و آمال خود را به گونه‌ای بازتاب می‌دهد. اهمیت این باور و اعتقاد به حدی است که رمالان و دعانویسان هم از این رهگذر بهره‌مند میشوند و گاه افراد ساده لوح را سرکیسه می‌کنند.

در طایفه ایلخاس به لحاظ پیشینه تاریخی و ریشه‌های عمیق مذهبی همه چیز رنگ و بوی مذهبی دارد. ذکر صلوات، نیایش، نوحه‌خوانی و دعا در پایان سفره و مهمانی و ... از جمله مواردی است که هنوز رواج دارد. در تمام کتب و دست‌نوشته‌هایی که هنوز در خانواده‌های مختلف برجای مانده و در دوران قدیم در مکتبخانه‌ها و یا در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است، مضامین مذهبی بیش از موارد دیگر به چشم می‌خورد و در اغلب آن‌ها توسل به ائمه (ع) و استعانت از این منابع، رکن اصلی است. مطالب عمدتاً به صورت شعر فارسی و گاه به زبان ترکی است. ولی گویندگان آن‌ها غالباً معلوم نیست. بخش قابل توجهی از دعاها به زبان عربی نوشته شده بود که در این نوشتار از آن‌ها استفاده نشد و به جز اندکی بقیه حذف شد.

اشعاری که مربوط به نماز، نصایح و تحمیدیه است و یا صلوات‌نامه‌هایی که نوعی توسل به ائمه (ع) است، بیش از سایر موارد به چشم می‌خورد. آنچه در ادامه ملاحظه خواهید کرد، از دست-خط‌های موجود برگرفته شده و گاه با افراد مسنی که هنوز اشعار را در حافظه خود داشتند، تطبیق داده شده است تا در مواردی که خوانا نبوده و یا بد خوانده شده است، اصلاح شود و تا حد ممکن اشتباهات کاهش یابد. سعی شده است از مطالبی که بیشتر نوشته‌های مختلف تکرار شده استفاده شود.

آشنایی با قرآن و تلاوت آن در هر روز صبح زود در دل طبیعت و در میان چادرهای طایفه ایلخاس، امری رایج، پسندیده و گاه الزامی بوده و هست. به همین لحاظ در دوران زندگی عشایری، کمتر خانواری از طایفه پیدا میشد که سواد خواندن و نوشتن نداشته باشد. این رویه در مقایسه با سایر طوایف و ایلات اگر منحصربه‌فرد نباشد، بدون تردید کم نظیر است. علاوه بر قرآن مجید که مورد استفاده تقریباً همگان بوده و مفاتیح الجنان که در برخی خانوارهای طایفه وجود داشته، کتب دیگر مانند: شاهنامه، فلکناز، امیر ارسلان، مختارنامه، دیوان حافظ، لیلی و مجنون و ... رایج بوده است. عناوین برخی از موضوعات، داستان‌ها و کتب دیگری که در دوران مکتب‌داری بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفته است، به شرح زیرند:

◀ نصیحت نامه‌ها که متنوع هستند و عموماً مضامین مذهبی دارند.

◀ صلواتنامه.

- ◀ مناجاتنامه.
- ◀ معجزات جناب امیرالمومنین (ع).
- ◀ مناجاتنامه مجرم.
- ◀ لغتنامه.
- ◀ حاجی خداداد.
- ◀ اسکندرنامه.
- ◀ الله قلی.
- ◀ مرگ میش.
- ◀ مناجات با ۱۲ امام (ع).
- ◀ دوازده امام.
- ◀ ملاخطارث.
- ◀ سلطان جمجمه.
- ◀ مناجات با قاضی الحاجات.
- ◀ حکایت مرد شکاک.
- ◀ مهر خاور.
- ◀ عاق والدین.
- ◀ پیری و جوانی.
- ◀ حضرت موسی و سنگتراش.
- ◀ علی سینا.
- ◀ حیدریگ و سمنبر (به زبان ترکی).
- ◀ سلطان قیس.
- ◀ مناجات با ۲۹ حروف.
- ◀ مشاجره جام و قلیان.
- ◀ مختارنامه (به زبان ترکی).
- ◀ جهانگیرنامه.
- ◀ گل و بلبل و باغبان.
- ◀ توبه نصح.
- ◀ داستان قزلباش.
- ◀ حکایت مرد لر که رندان فریض دادند.
- ◀ مهمانی خواندن شبان خدا را.
- ◀ حکایت پیر گبر و پیغام دادن به خدا.
- ◀ کتاب ملحمه.
- ◀ داستان گرگ و روباه.
- ◀ داستان رستم با ببر.
- ◀ عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان.
- ◀ جنگ علی بن ابی طالب با رستم و اسلام آوردن ایشان.

برخی از مطالب فوق عیناً در ادامه خواهند آمد. پاره‌ای از آن‌ها در پایان در بخش ضمیمه آورده شده است. تعدادی نیز به دلیل حجم زیاد فقط نامشان آمده است و تعداد قابل توجهی از مطالب هم، به همراه متون عربی حذف شده‌اند. در پاره‌ای موارد نیز، به ناچار ادغامی صورت گرفته است تا مواردی که در متون چند بار تکرار شده، حذف و یکجا آورده شوند.

◆ چاووش خوانی

در گذشته سفر به راحتی امروز نبود و به‌ویژه زیارت اماکن متبرکه، چندسالی یک بار اتفاق می‌افتاد. هر سفر چندین هفته و گاه چندین ماه به درازا می‌کشید. زائرین با پای پیاده و یا با استفاده از چهارپایان به زیارت مرقد امام رضا (ع)، کربلا و یا مکه می‌رفتند و در طول سفر ارتباط و تماس‌ها قطع می‌شد. در حرکت و بازگشت رسم چاووش خوانی برقرار بود. علاوه بر دعای خیر برای سلامت مسافران، زائرین کمک‌های نقدی و غیره را نیز برای اجابت دعای حاجتمندان جمع‌آوری نموده و نائب‌الزیاره می‌شدند. ندزی این و آن را با خود می‌بردند تا تقدیم مرجع مورد نظر کنند. به کمک‌های مادی خویشان، بستگان و مشایعت‌کنندگان فتح راه (فط راه، فطریه) می‌گفتند. در این امر اجباری در کار نبود و یک نوع احساس مشارکت در مزایای معنوی سفر به شمار می‌رفت. زائر و زائرین هم کمک‌کنندگان را بی‌نصیب نمی‌گذاشتند و از سوغاتی‌های سفر آنان را بهره‌مند می‌نمودند. مهر، تسبیح، عطر و جانماز بخشی از این رهاورد بود.

اگر کسی به زیارت مرقد امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و یا مکه و کربلا می‌رفت، مردم هنگام عزیمت زوار آنان را بدرقه و در برگشتن به استقبال آن‌ها می‌رفتند. چاووش خوانی در هنگام حرکت کاروان زوار برای مکه و یا زیارت قبور ائمه (ع) و بدرقه آنان و در هنگام بازگشت ایشان از سفر بسیار مرسوم بوده است. افراد مختلفی با صدای خوش، چاووش خوانی می‌کردند تا مردم بیشتر برای بدرقه و یا استقبال زائرین جمع شوند. چاووشان، عموماً از مردان بودند؛ افرادی خدانشناس با خلوص نیت و دارای صدای خوش و نفس گرم مانند: کربلایی زین‌العابدین اکبری، حاج غضنفر اکبری و حاج نگهدار یوسفی که از جمله چاووش‌خوانان بنام فامیل بودند.

در گذشته اعزام زائرین به صورت گروهی و آن هم سالی یک یا دو بار و در ایام خاصی اتفاق می‌افتاد. در رفت و برگشت زائرین، اشعاری خوانده می‌شد که آنچه برای رفتن و عزیمت بیان می‌شد با اشعار بازگشت زائرین متفاوت بود. در هر حال جدا از احترام، تقدیس و جنبه‌های مذهبی آن، یک نوع اعلان عمومی و خبررسانی برای ورود یا خروج کاروان بود که امروزه خبری از آن نیست. در هنگام حرکت بخشی از چاووش‌خوانی نیز برای تحریک و تهییج دیگران بود و چه بسا برخی در همان لحظه تصمیم می‌گرفتند تا با کاروان همراه شده و عازم زیارت شوند؛ زیرا همه چیز از روی صداقت و یکرنگی بود.

هنگامی که کسی از مکه یا عتبات عالیات باز می‌گشت جمعی از خویشان و بستگان تا مسافتی به استقبال وی می‌رفتند و در مدخل ورودی از طرف خانواده، اقوام و دوستان نزدیک، گوسفند پیش پای او قربانی می‌کردند پس از دیده‌بوسی؛ حاجی، کربلایی یا مشهدی را با سلام و صلوات و در حالی که یک نفر چاووش می‌خواند و در مسیر راه او اسفند و گندر دود می‌شد، به خانه می‌آوردند. در بازگشت زائرین افراد محرم دیده‌بوسی می‌کردند، ولی افراد نامحرم گوشه‌کت یا قبای مردان و یا گوشه چادر زنان را به نشانه تبرک می‌بوسیدند. اعتقاد بر این بود که فرد زائر بهتر است تا

سه روز پس از بازگشت، از حمام کردن خودداری کند تا گرد لباس او مایه چشم‌روشنی باشد و بعد از سه روز ولیمه و مهمانی می‌دادند. امروزه با توجه به تحولات و گسترش امکانات و سهولت دسترسی در شرایط فعلی، رفتن به مراکز مذهبی امری عادی شده است و ممکن است به شکل مستمر و با وسایل مختلف، به صورت فردی و یا گروهی و حتی بخشی از آن با هدف تفریح و گردشگری صورت گیرد.

◆ بخشی از دعاهایی که در گذشته بیشتر رایج بوده به شرح زیر هستند:

◀ چاووش خوانی

◀ دعای بدرقه زائر

بارها گفت محمد که علی جان من است	هم به جان علی و جان محمد صلوات
اول به مدینه مصطفی را صلوات	دوم به نجف شیر خدا را صلوات
در کرب و بلا به شمر ملعون لعنت	در طوس غریب الغربا را صلوات

◀ دعایی دیگر

شکرالله شد نصیبم مشهد شاه رضا	یافتم بوی بهشت از مرقد شاه رضا
بر در اول، که سقاخانه آن حضرت است	آب کوثر در میانش شربت بیمارهاست
هرکسی یک جام نوشد، درد او زایل شود	از حکیمان و طبیبان جهان او را شفاست
یوسفی از مصر خوبان، در خراسان آمده	سنگ بر تعظیم او، از سنگ غلتان آمده
اگرچه بیت سنگی شده زیارتگاه	شرافتش ز وجود علی عمران آمده

◀ چاووش مخصوص کربلا

چون که ما عزم کربلا کردیم	طلب نصرت از خدا کردیم
اول از شوق مدح بسم الله	در کف دست خود عصا کردیم
دل ز شهر و دیار بر کندیدم	رو به گلزار کربلا کردیم
هرکه در حق ما بدی‌ها کرد	در عوض ما به او دعا کردیم

◀ وقت برگشت از کربلا و نجف این شعر را می‌خواندند

ما سلام از روضه شیر خدا آورده‌ایم	روی پر گرد و غبار از کربلا آورده‌ایم
هر که در حق ما بدی‌ها کرد	در عوض ما به او دعا کردیم
بس که رخ مالیده‌ایم بر مرقد شاه نجف	بوی مشک و عنبر و عطر و گلاب آورده‌ایم
برده بودیم ما بسی جرم و گنه در کربلا	شکر الله در عوض بار ثواب آورده‌ایم

◀ وقت برگشتن از زیارت امام رضا (ع) این دعا را می‌خوانند: چاووش نامه

شکر لله شد نصیبم شاه رضا
داد توفیقم خداوند کریم ذوالجلال
بود خالی جای یاران جملگی از مرد و زن
پا نهادم چون به مسجد یادم آمد از بهشت
ذکر گویان دیده گریان در میان کفش کن
بر در اول که سقاخانه آن حضرتست
هر که زو یک جام نوشد درد او زایل شود
چون زیارت نامه خواندم باز آوردم به یاد

یافتم بوی بهشت از مرقد شاه رضا
توتیای چشم کردم خاک ایوان طلا
در حریم کعبه سلطان علی بن موسی الرضا
صحن او دارد شرف بر قصر جنات العلی
پا نهادم اشک جاری شد مرا از دیده‌ها
آب کوثر در میانش شربت بیمارها
از حکیمان و طبیبان جهان او را شفا
حق حقداران و حق قوم و خویش و اقربا



قبر امام هشتم سلطان دین رضا
امام هشتمین جانم فدایش
خداوندا نما هر دم تو لعنت
از جان ببوس و بر در این بارگاه باش
بداده زهر کین مامون برایش
به هارون و به مامون تا قیامت



◀ دعای سفره

خواندن دعای سفره به عنوان یک سنت حسنه هنوز جاری است و در پایان مراسم دادن ولیمه‌ها و به‌ویژه هنگامی که شام و ناهاری به مناسبتی تدارک دیده شده و صرف شود. برخی از این دعاها خوانده می‌شود. ابیات و جملات عوض شده‌اند، اما اصل موضوع وجود دارد. برخی از مطالب قدیم و جدید به شرح زیرند:

◀ دعا در پایان مراسم سفره

بار الها به حق قرب نبی به رسولت، محمد عربی
آن کسانی که می‌دهند نون و ماس اجر ایشان به حضرت عباس
آن کسانی که می‌دهند بلغور در قیامت بده تو جامه نور
آن کسانی که می‌دهند آبگوش در قیامت تو حللهای در پوش
آن کسانی که می‌دهند پلو در قیامت بپوش جامه نو

◀ نمونه‌ای دیگر از دعای سفره

خدایا ما کم کردیم، تو آن را زیاد کن

◀ نمونه‌ای دیگر از دعای سفره

الهی که این سفره معمور باد همیشه پر از نعمت و نور باد
که چشم بدانیدش و چشم حسود از این سفره و صاحبش دور باد

◀ دعای سفره به زبان عربی

این دعا هم اکنون نیز مرسوم است و معمولاً در پایان مراسم خوانده می‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَطْعَمُ وَ لَا يَطْعَمُ، زَادَ اللَّهُ النِّعْمَ وَ دَفَعَ اللَّهُ النِّقْمَ، بِحَقِّ سَيِّدِ الْعَرَبِ وَ الْعَجْمِ، هُنِيئاً
لِلْكَالِينِ وَ بَرَكَهَ لِلْبَادِلِينَ وَ صِحَّةَ لِلْجَالِسِينَ وَ شِفَاءً لِمَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ سَلَامَةً يَسْفِرُ
الْمَسَافِرِينَ وَ مَغْفِرَةً لِمَوَاتِ الْحَاضِرِينَ سَيِّمًا أَمَوَاتٍ صَاحِبِ الْأَطْعَمَةِ وَ الْأَشْرَبَةِ. اللَّهُمَّ طَيِّبْ تَرَابَهُمْ وَ
يَسِّرْ حَسَابَهُمْ وَ احْشُرْهُمْ مَعَ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَبْرَهُمْ رَوْضَةً
مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ لَا تَجْعَلْ قَبْرَهُمْ حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّيِّرَانِ بِحَقِّ سُورَةِ الْمَبَارَكَةِ الْفَاتِحَةِ مَعَ صَلَوَاتِ.

◀ تکبیر سفر سلامتی هر طعام

بدا همیشه با برکت خوان باذلین وان بذله باده نوش گوارا چو انگبین
با صاحب سفره و اطعام ای کریم اطعام کن ز مائده جنت النعیم
الخاص آنکه صاحب این خوان نعمت است از رحمت رحیم سزاوار رحمت است
آری فتد زحمت اگر نقطه‌ای ز را زحمت شود به معاینه خود رحمت خدا
یا واهب العطیسه یا رازق الانعام ده وسعتی به صاحب این خوان و این اطعام
هرگونه نعمت است به فردوس ای کریم بر والدین و جمله اموات وی رسان
بهر ضیافت و نعم و دفع هر بلا خواند هر آنکه فاتحه، بیامرزش خدا

◆ مکتب و مکتب‌خانه

طایفه ایلخاس از آن گروه‌های ایلی بوده‌اند که از ابتدا به آموزش و ضرورتاً برای آشنایی و
قرائت قرآن اهمیت فراوانی قائل شده‌اند و تقریباً در تمامی خانوارها حتی در میان زنان، افرادی
باسواد مکتب‌خانه‌ای وجود داشته و برخی از آن‌ها هنوز در قید حیات هستند. گزارش دوره یک
مکتب‌خانه به شرح زیر بوده است:

ورود به مکتب‌خانه تابع تشریفات نبود. نوآموز ابتدا با یک کله قند، دو برگ کاغذ، قلم و دوات،
زیرانداز به همراه فردی از اهل خانه وارد مکتب‌خانه می‌شد و دانش‌آموز تحویل ملا می‌شد.
یادگیری الفبا آغاز می‌شد. از زمانی که درس شروع می‌شد تقریباً به شرح زیر بود:

در ابتدا ملا بر روی کاغذ می‌نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم

درس اول: اول کار به نام خدا پس مبارک بود چو فرهما

درس بعد: رقم و نقطه ۱ ۲ ۳ سر بر زیر

درس بعد: دو سر (ءُ)، دو بر (ةُ)، دو زیر (ةُ)، مد را می کشیم
درس بعد: جَزم را هم می زنیم، تشدید را سَخْت می گیریم، همزه را به جای الف می نشانیم.
لع پیوسته، لغ پیوسته و ...

حروف: الف، ب، ... یا

الف با سر: ا ب ت ...

الف با بر: ا ب ت ...

الف با زیر: ا ب ت ...

الف با دو سر و دو بر و دو زیر: ا ا ب ب ت ت ت ت ...

درس بعد: ابجد، هوز، حطی، کلمن، سَعَفَص، قَرَشْت، تُخَذ، ضَطْعَلَا

از این مرحله به بعد آموزش قرآن با سوره حمد و سایر سوره های کوچک قرآن (جزء سیام) شروع می شد و در مسیر آموزش اصطلاحاتی رایج بود که برخی به شرح زیرند:
◀ موقعی که دانش آموز به سوره همزه می رسید گفته می شد: ویل لکل دو مرغ کول؛ یعنی اینکه دو مرغ برای ملا بیاور، گرچه خیلی هم جدی نبود؛ گاهی عمل می شد و گاهی نیز بستگی به وضعیت اقتصادی خانواده داشت.

◀ موقعی که جزء سیام قرآن ختم می شد، گفته می شد: عمه قبا ی پرنبه. این قبا که زیر قبا ی اصلی استفاده می شد نوعی گرم کن بود و به ویژه در زمستان برای ملا آورده می شد. این جا مقطع تعیین کننده ای بود و دانش آموز از این پس تقریباً شروع به خواندن قرآن می کرد. لذا در برخی موارد بره هدیه می دادند و یا مقداری پول داده می شد که میزان هدایا به وسع خانواده بستگی داشت.
دانش آموزی که به مکتب می آمد تا قبل از ختم جزء سیام قرآن یک کیسه پارچه ای به نام «قولوق» به همراه داشت که وسایل خود را در آن می گذاشت؛ ولی با ختم جزء مذکور چنته بر می داشت زیرا هم خود اعتباری پیدا کرده بود و هم قرآن، کتب دیگری برای خواندن، کاغذ، دو نمره قلم، جوهر، دوات، قلمدان و ... را باید در آن جای داد. چنین دانش آموزی هر صبح با ورود به مکتب خانه می بایست ابتدا یک جزء قرآن را بخواند، دو درس برای حفظ کردن از ملا بگیرد و تا عصر همان روز حفظ نموده و به ملا ارائه کند. بر روی یک برگ، خطی به عنوان سرمشق بگیرد و تمام آن برگ را تکراری بنویسد و در پایان به تأیید ملا برساند و ...

◆ مکتبداران شناخته شده طایفه ایلخاص به شرح زیر بوده اند:

سید علی باز ۲ - سید خدارحیم ۳ - ملا غریبعلی ۴ - ملا یوسف علی ۵ - ملا عبدالله ۶ - مشهدی سلیمان ۷ - حاج پنجعلی ۸ - حاج مظفر ۹ - حاج الیاس.

در طایفه ایلخاص هیچ فردی منتسب به ائمه و یا سادات وجود ندارد و مکتب دارانی که با نام سید در اینجا آورده شده اند مطمئناً از سایر طوایف و یا مناطق دیگر برای آموزش دعوت شده اند.

◆ صلوات نامه

در گذشته یکی از موضوعات رایج و عمومی در طایفه ایلخاص، اذکار صلوات نامه ها بوده است. در اوراقی که دسترسی به آنها میسر شد، تقریباً در اغلب آنها صلوات نامه وجود داشت. در هر کدام هم ابیات مشترک و هم ابیات مستقل و متفاوت دیده می شد که در این نوشتار در یکدیگر ادغام

و موارد تکراری نیز، حذف شده است. آنچه در زیر آمده، ابیات یکپارچه شده صلوات‌نامه است. با توجه به یکی از ابیات انتهایی به نظر می‌آید افراد گوناگونی هم ابیاتی به آن اضافه کرده‌اند. در دوران زندگی ایلی رسم بر این بود که عصر هر پنجشنبه و در آستانه روز جمعه، آن‌هایی که به مکتب‌خانه می‌رفتند دور هم جمع می‌شدند. ابتدا سوره‌های یس، الرحمن، واقع، جمعه، ملک، تبارک الذی، هل اتی، عم و ... به صورت چرخشی قرائت می‌شد. سپس نماز به جماعت برگزار می‌شد و امام جماعت نیز نوبتی بود که بایستی با صدای بلند قرائت می‌کرد. در پایان فرد و یا افرادی در ابتدا با صدای رسا اشعار صلوات‌نامه را می‌خواند و بقیه صلوات می‌فرستادند و در ادامه هم قصیده «علی سید علی سرور» خوانده می‌شد.

◆ دعای اختتامیه

در پایان نیایش‌ها، اشعار، صلوات‌نامه‌ها، تحمیدیه‌ها، اذکار و دعاها و مطالب نوشته شده که در دسترس قرار گرفت، شعر و یا اشعاری را برای اختتامیه استفاده می‌کردند که غالباً مدح، دعا و یا استمداد از ائمه (ع) است. هر کدام از این ابیات به صورت تک بیت، دو بیت و بیشتر در پایان هر مطلب اضافه شده بودند که معدودی به زبان ترکی هستند. نمونه‌های زیر از آن دسته‌اند که همه جمع‌آوری و در این قسمت یکجا آورده شده‌اند.

هزاران درود و هزاران صفا زما باد بر حضرت مصطفی

هر آنکس که گوش دهد بر این کتاب یا مرزدش ای کردگار وهاب

هزاران درود و هزار نور عیون زما باد بر آن پاک حسین

نوشتیم و رفتیم و بگذاشتیم بدینگونه تخمی ور کاشتیم
الهی به حق جناب رسول اطاعات ما را بفرما قبول

کسانی که بیرون شدند از راه راست هدایت بفرمای چندان که خواست

تو یا رب به حق علی و ولی به سهل گردان تو هر مشکلی

به آن‌ها که بیراهه گشتند ز راه هدایت بفرما بیاور تو راه

مونو یازدوم یادگار قالماق ایچون اوخویا نلار بیر دعا قیلیمان ایچون